

**گفتگوی دکتر یوسف قرضاوی و
هاشمی رفسنجانی در رابطه با
تشیع و تسنن**

برنامه:

تلویزیون الجزیره

مترجم:

عبدالعزیز سلیمی

گفتگوی دکتر یوسف قرضاوی و هاشمی رفسنجانی در...	عنوان کتاب:
تلویزیون الجزیره	برنامه:
عبدالعزیز سلیمی	مترجم:
عقاید کلام - اسلام و علوم و عقاید جدید - اصلاحات دینی	موضوع:
اول (دیجیتال)	نوبت انتشار:
آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری	تاریخ انتشار:
	منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	أ
گفتگوی دکتر یوسف قرضاوی و هاشمی رفسنجانی در رابطه با تشیع و	
تسنن	۱

گفتگوی دکتر یوسف قرضاوی و هاشمی رفسنجانی

در رابطه با تشیع و تسنن

بینندگان گرامی! سلام و درود خداوند بر شما؛ در برنامه «دیداری ویژه» که شبکه تلویزیونی الجزیره با هماهنگی و همفکری «اتحاد جهانی علمای مسلمین» آن را تجربه می‌کند به شما درود می‌فرستیم، برنامه‌ای که در آن دو شخصیت اسلامی هریک از نگاه خویش، در رابطه با مشکلاتی که جهان اسلام با آن روبه روست و چالش‌هایی که فرا روی آن قرار گرفته، و راه حل‌های رهایی از آن‌ها و چگونگی تعامل با جهانی که گرداگرد ما قرار دارد، -بر اساس رسالت اُمّت اسلامی و وفاداری نسبت به بنیان‌های آن- و در راستای وحدت در رویکرد اُمّت اسلامی در شرایط سختی که در آن قرار دارد، سخن خواهند گفت.

این دیدار ویژه که به طور مستقیم پخش می‌شود؛ با مشارکت استاد دکتر یوسف قرضاوی «رئیس اتحاد جهانی علمای مسلمین» و جناب شیخ هاشمی رفسنجانی «رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو مجلس خبرگان ایران» و بنابر فراخوانی اتحاد جهانی علمای مسلمین و بدنبال دیدار هیئتی از اتحاد از تهران که در آن توافق شد که این دو شخصیت در یک دیدار مشترک مردم مسلمان را مورد خطاب قرار بدهند؛ از خداوند بزرگ و با عظمت می‌خواهیم که این دیدار را گامی به سوی وحدت صف مسلمانان، پالایش دل‌ها و وحدت کلمه بگرداند.

امیدوارم که این دو بزرگوار در برابر پرسش‌های مستقیم و صریح در ارتباط با مسائل مختلفی که مسلمانان اعم از شیعه و سنی از آن گله‌مندند

و گاهی آن‌ها را عامل تحریک‌کننده و اختلاف برانگیز به شمار می‌آورند، پاسخ صریح بدهند.

همچنین می‌خواهم توضیح بدهم که این دیدار در واقع مناظره میان این دو شخصیت نیست، بلکه دیداری است ویژه که هریک از ایشان به بیان دیدگاه خود در ارتباط با مسایلی حسّاس خواهند پرداخت.

انتظار دارم که این بزرگواران، بزرگواری فرموده و پرسش‌ها را در مدّت ۲ تا ۲/۵ دقیقه به صورت فشرده پاسخ بفرمایند تا بتوانیم هرچه بیشتر از زمان باقیمانده استفاده کنیم، زیرا از زمان مقرر برای شروع برنامه اندکی تأخیر داشته‌ایم.

اینک با سخنان آقای هاشمی رفسنجانی به مدّت حدود ۱۲ دقیقه - و مشابه آن نیز برای اظهارات دکتر قرضاوی - برنامه را آغاز می‌کنیم، بعد از آن همراه با ایشان چهار موضوع محوری را مورد بررسی قرار می‌دهیم. جناب آقای هاشمی حضور شما را در این گفتگوی ویژه خوش آمد می‌گوییم، و منتظر شنیدن سخنانتان هستیم، بفرمایید!

هاشمی: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله والصلاة والسلام على آله وصحبه، أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا. من باید از شبکه تلویزیونی الجزیره و همچنین از شخص جناب آقای قرضاوی که این برنامه را در راستای پاسداری از وحدت اسلامی ترتیب داده‌اند، صمیمانه تشکر کنم، می‌دانم که اتحاد جهانی علمای مسلمین برای وحدت مسلمین اهتمام شایانی دارد، و تلاش بسیاری را برای بسترسازی و فراهم کردن امکانات برای اجرای این گفتگو به عمل آورده است، از خداوند مسئلت دارم که خیر و برکت این دیدار را شامل حال امت اسلامی بگرداند.

همه ما می‌دانیم که یکی از بنیان‌ها و مبانی عمومی جهت گسترش اسلام، پاسداری از وحدت است، و چنانچه این وحدت تحقق پیدا کند، خیر و برکت فراگیر شامل حال تمامی مسلمانان خواهد گردید و همه در آن سهیم خواهند بود. پس از پیروزی انقلاب ما تمامی تلاش‌های خویش را در جهت توانمندی صفوف و نزدیکتر شدن مذاهب بکار گرفتیم. البته این راهی بود که مرحوم آیه الله بروجردی و علامه شیخ محمد عبده و همچنین مؤسسه دارالتقرب پایه‌های آن را بنیان نهادند. ما نیز بعد از پیروزی انقلاب موضوع هفته وحدت اسلامی را مطرح کردیم، و این راه را ادامه دادیم. بنیانگذار جمهوری اسلامی و همچنین آیه الله خامنه‌ای مقام رهبری جمهوری اسلامی همان راه را به صورت جدی و با پشتکار در پیش گرفتند، و در این ارتباط پیشرفت‌ها و دگرگونی‌های بسیاری را بدست آوردیم. و تعداد زیادی از علما در کنفرانس‌ها حضور پیدا کردند، که می‌توان از جناب آقای شیخ قرضاوی نام برد. همچنین تعداد زیادی از علمای مصر، تونس، مراکش، عراق، سوریه، عربستان سعودی و تمامی کشورهای اسلامی حضور داشته‌اند.

ما میوه آن تلاش‌ها را چیدیم و به یکدیگر نزدیک شدیم و از خداوند می‌خواهم که ما را در تقویت و پاسداری از این دست‌آوردها یاری دهد. طبعاً در روزهای اخیر با امواجی از فتنه‌گری روبه‌رو بودیم، که شاید از پاره‌ای از رویدادهای عراق ناشی شده باشند، و شاید با رویدادهای دیگری مانند آنچه در افغانستان و لبنان پیش آمده بی‌ارتباط نباشند.

تمامی آن فتنه‌ها ناشی از تلاش‌های دشمن که امواجی تازه از فتنه برانگیزی را به راه انداخته و پاره‌ای از نگرانی‌ها را سبب شده است، که چیزی نمانده تمامی تلاش‌هایی را که علما در گذشته در جهت وحدت به

عمل آورده‌اند، ناکام و بی‌حاصل کند، به امید خداوند ما می‌خواهیم در این برنامه در برابر آن امواج فتنه برانگیز ایجاد مانع کنیم.

من بر این باورم که شکست آمریکا در جهت تحقق و ایجاد خاورمیانه بزرگ که در واقع تلاش برای گسترش سلطه‌گری خود بر سرزمین‌های ماست، با شکست روبه‌رو خواهد گردید، وجودشان در منطقه و عراق تا کنون نتوانسته آنان را به اهدافی که دنبال می‌کردند نزدیک نماید، و حجم مشکلات ایشان بیشتر شده، آنان گمان می‌کنند از طریق گسترش تفرقه در میان صفوف مسلمانان می‌توانند به آن اهداف واقعیت ببخشند، شکست اسرائیل در جنگی که علیه لبنان به راه انداخت، همچنین پیروزی که مردم فلسطین در انتخابات اخیر و تقویت پایه‌های مقاومت در تمامی ممالک اسلامی به آن دست یافتند، همه این‌ها جزو عوامل و اموری بودند که دشمن را به ایجاد تفرقه در بین مسلمانان وادار کردند، و تصمیم گرفته‌اند که به طور جدی به چنین توطئه‌ای دست بزنند، اما ما فرزندان اسلام و قرآن نباید فریب بخوریم و همانگونه که در آغاز سخن گفتم، حکم قرآنی صریحی وجود دارد که ما را از درگیری و تفرقه برحذر می‌دارد: ﴿وَلَا تَنَزَعُوا فِتْنَةً لِّسُلُطَانِهَا وَتَذَهَبَ رِيحُكُمْ﴾ [الأنفال: ۴۶] این حکم روشن و صریح قرآنی است، از طرف خداوند به ما امر شده است که از وحدت پاسداری کنیم، همانگونه که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [الحجرات: ۱۰] علمای اسلام در برابر مسئولیت‌های بزرگ و به راستی مهمی قرار دارند به ویژه در شرایطی که با مشکلات سختی روبه‌رو هستیم و دشمن به دنبال ایجاد تفرقه در لبنان، عراق، افغانستان و دیگر کشورهاست، مشکلاتی که ما در سودان، سومالی و دیگر ممالک با آنها روبه‌رو هستیم، حل و فصل آنها تنها از طریق حفظ وحدت اسلامی ممکن است.

فتنه‌انگیزی‌ها و تفرقه‌افکنی‌ها و تحریک احساسات میان شیعیان و سنی‌ها در واقع جزو نغمه‌های شیطانی هستند و برماست که در برابر وسوسه‌های شیطان فریب نخوریم، علما و همچنین مردم ایران از اعماق درون به وحدت اسلامی دل بسته‌اند، و صمیمانه چشم به راه تحقق آن هستند. من می‌دانم که علمای اهل سنت نیز با علمای ما هم دل‌اند، آنان به دنبال ایجاد تفرق در میان مسلمانان نیستند، اما پاره‌ای از آدم‌های نادان وجود دارند، که اینجا و آنجا اقداماتی را صورت می‌دهند، و سخنانی را مطرح می‌کنند، اما وظیفهٔ خردمندان و دانشمندان مسلمان است که فراتر از عملکردها و سخنان افراطی‌ها و تند روها عمل کنند، آنانی که به مصالح کلی اسلام توجه نمی‌کنند، نباید مورد اهتمام قرار بگیرند، به همین خاطر امیدوارم در این گفتگو که با جناب آقای قرضاوی خواهیم داشت به اسلام و امت اسلامی خدمتی بکنیم.

مجری: با تشکر از شما، هم اکنون به دوحه می‌رویم تا سخنان دکتر قرضاوی را بشنویم، جناب شیخ بفرمایید.

دکتر قرضاوی: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا وإمامنا واسوتنا وحبينا ومعلمنا رسول الله وعلى آله وصحبه ومن اتبع هداه.

اما بعد: سخنانم را با تشکر از شبکهٔ تلویزیونی الجزیره به خاطر اجابت درخواست اتحاد جهانی علمای مسلمین مبنی بر اجرای این دیدار آغاز می‌کنم، دیداری که از خداوند می‌خواهم از راه آن خیر و منفعی را ارزانی بدارد، همچنین به آقای هاشمی رفسنجانی درود و سلام دارم، هشت سال پیش در دیداری که از تهران داشتم با او ملاقاتی داشتم و ضمن

استقبال گرم از اینجانب یک دوره کتاب تفسیرش را از قرآن به من هدیه دادند.

بر این باورم که اگر از این دیدار به صورت مطلوب استفاده بشود، پیامدهای مطلوبی را برای امت اسلامی به دنبال خواهد داشت، از جناب شیخ رفسنجانی که علاوه بر اینکه روحانی برجسته‌ای است از رهبران سیاسی طراز اول ایران به شمار می‌آید، انتظار دارم که در ارتباط با چهار موضوع محوری که هیئت ارسالی به تهران با مسئولین ایران در موردشان به توافق رسیده‌اند سخن بگوید، چهار موضوع اساسی وجود دارند که لازم است در موردشان صحبت کنیم و به صراحت آنها را مورد بررسی قرار بدهیم.

من ضمن سخنرانی در کنفرانس گفتگوی مذاهب که چند هفته پیش در قطر برگزار شد؛ گفتم که: از دست اندرکاران تقریب بین مذاهب که نشست‌هایی را ترتیب می‌دهند و سپس پراکنده می‌شوند و اقدامی عملی را صورت نمی‌دهند، جدّاً انتقاد دارم، زیرا از دست نهادن بر روی نقاط و موارد حسّاس و آسیب دیده و رویارویی با مشکلات حقیقی دوری می‌نمایند، بسیاری از آنها گردهم می‌آیند و به تعریف و تمجید و مجامله‌گویی می‌پردازند و امور مهم را به حال خودرها می‌کنند.

به همین سبب قصد دارم که در این دیدار از اموری سخن بگویم که همگان اعم از شیعه و سنی و عموم مسلمانان از آن شکوه دارند و رنج می‌برند، یکی از آن مسایل مسأله تکفیر است، کسانی هستند که حکم کفر شیعیان را صادر می‌کنند و کسان دیگری هستند که اهل سنت را تکفیر می‌کنند، اما ما می‌خواهیم که اسلام محور جمع‌کننده میان همگان و محور وحدت باشد، وقتی در میان اهل سنت کسانی هستند که شیعیان را تکفیر می‌کنند، در میان شیعیان نیز کسانی هستند که اهل سنت را کافر می‌دانند

و شاید ایشان تندتر و بدتر از آن دسته از اهل سنت تکفیری هستند، در میان شیعیان اشخاصی وجود دارند که می‌گویند: خدا و پیامبر و پیشوایان ما جدای از خدا و پیامبر و پیشوایان اهل سنت است، نمی‌خواهم از اشخاص نام ببرم و تنها به شیخ نعمت الله جزایری و شیخ مجلسی صاحب کتاب بحار الأنوار اکتفا می‌کنم، نمی‌خواهیم برای تند روها و غلات حساب خاصی را باز کنیم، زیرا اگر پای خود را جای پای ایشان قرار بدهیم هیچگاه با یکدیگر کنار نخواهیم آمد، بلکه بر روی اهل اعتدال و میانه روها باید تکیه کرد و امید بست، ما مسأله تکفیر را مردود می‌شماریم، همین که همه ما به (لا إله إلا الله و محمد رسول الله) شهادت می‌دهیم، شهادتی که تضمین کننده احترام و پاسداری از جان و مال انسان مسلمان است و به سوی یک قبله نماز می‌خوانیم و به وحدت اهل قبله باور داریم، کافی است.

این یک مسأله، مسأله دیگر این است که اختلافات موجود میان شیعه و اهل سنت را نباید در بین عامه مردم و بر روی منابر مساجد و اجتماعات عمومی مطرح نمود، بلکه اهل علم و تخصص باید به بررسی مسائل اختلافی بپردازند آن هم با تکیه بر اصول علمی و کارشناسی و بدور از تحریک احساسات و تشنج آفرینی و کینه توزی سیاه و کورکورانه، بلکه با بهره‌گیری از روح محبت و اخوت.

موضوع سوّم در رابطه با اصحاب رسول خدا ﷺ و آل بیت است، هرچند من و تمامی مردم اهل سنت ایمان و یقین داریم در تمام جهان اهل سنت حتی یک نفر هم پیدا نمی‌شود که اهل بیت را دوست نداشته و جایگاهشان را بر روی سر خویش قرار ندهند، کدام اهل سنت است که علی بن ابی طالب همسر بطول و عموزاده رسول و شمشیر آخته اسلام را دوست نداشته باشد، کیست که حسن و حسین قافله سالار جوانان بهشتی، زین العابدین

سجّاد، ابو جعفر باقر و جعفر صادق و دیگران را دوست نداشته باشد، چنین کسی در میان اهل سنت وجود ندارد.

اما مشکل مواضع دوستان شیعی نسبت به اصحاب رسول خدا ﷺ است، موضوعی که در نهایت اهمیت قرار دارد، من هشت سال پیش هنگام دیدار از تهران، این را به دوستان ایرانی یادآور شدم و به خاطر دارم در تمامی گردهمایی‌های که در آنها حضور یافته‌ام - از جمله گردهمایی تقریب در رباط (پایتخت مراکش) و بحرین و دمشق - این موضوع را یادآور شده‌ام. این مسأله مهم و حسّاس را یادآور می‌شوم که امکان ندارد دست‌انگامان در دست‌انگامان شما قرار دهم و احساس کنم که با هم برادریم، زمانی که من می‌گویم: ابوبکر، عمر، عثمان و عایشه رضی الله عنهم، اما شما ایشان را مورد لعن و نفرین قرار بدهید، این غیر ممکن است، به همین خاطر لازم است در این رابطه به توافق برسیم.

بهتر است برادران اهل تشیع توجه کنند که: اصحاب پیامبر شاگردان و فارغ التحصیلان دانشگاه رسالت و نتیجه و نهال بر زمین نهاده شده‌اند مدرسه تربیتی او بوده‌اند، اگر ایشان را آماج تیر اتهامات قرار بدهیم، در واقع استاد و معلّم ایشان را مورد اتهام قرار داده‌ایم و این بدین معنی است که او به درستی ایشان را تربیت ننموده است، اما سوگند به خداوند که رسول امین در تربیت‌شان بسیار خوب عمل کرده و بسیار موفق بوده است، و ایشان برترین و بهترین نسلی‌اند که تاریخ بشری شاهد آن بوده است. این را خداوند در هشت سوره از سوره‌های قرآن یعنی: اعراف، انفال، توبه، نحل، حج، فتح، حشر و حدید گواهی می‌دهد. خداوند به تمام اصحاب سابقین و نسل بعد از ایشان به ویژه سابقین نخستین و حتی کسانی که به خوبی از آنها پیروی کنند، وعده خیر و رحمت داده، از آنان خشنود گردیده و ایشان نیز از وعده‌های خداوند خشنودند و ایشان را به بهشتی که از زیر درختانش

جویبارها جاری است و عده داده است. قرآن و احادیث، ایشان را مورد تعریف و تمجید قرار می‌دهند. از جهت تاریخی نیز آنان بوده‌اند که قرآن را حفظ و جمع‌آوری نموده و سنت را برایمان روایت کرده و پیروزی‌های بزرگ را نصیبمان نمودند و اسلام را در جهان گسترش دادند، چه کسانی که اسلام را به مصر و ایران وارد کردند؟ چه کسانی بودند ایشان را از آتش‌پرستی رهایی بخشیدند و به یکتاپرستی هدایت کردند؟ این‌ها را همه اصحاب رسول خدا انجام دادند.

نمی‌خواهم در این ارتباط بیشتر سخن بگویم زیرا سخن به درازا می‌کشد و وقت مجال نمی‌دهد، این موضوعی است که لازم است درباره آن به توافق برسیم، به هرگونه توهین و کسر شأن و ملامت نسبت به اصحاب رسول خدا باید پایان داده شود. اگر در میان اهل سنت هم کسی وجود داشته باشد که نسبت به اهل بیت بی‌احترامی کند، باید متوقف شود.

از طرف دیگر معاهده مکه پیش روی ماست، میثاقی که انتظار داشتیم مراجع درجه اول اهل تشیع و علمای اهل سنت حضور می‌یافتند و آن را امضاء می‌کردند، معاهده‌ای که در برگیرنده هشت اصل و قاعده است، و ضرورت دارد همه ما تمامی آنها را بپذیریم و هیچکس را حق مخالفت با آن نباشد و مبنا و راهکاری برای ساماندهی به روابط میان شیعیان و اهل سنت باشد. لازم است که آن اصول را فعال و عملیاتی کنیم، تا نتیجه مطلوب را بدهد و در واقعیت حاصلی را در پی داشته باشد، موضوع دیگر رویدادهایی است که...

مجری: جناب شیخ اگر اجازه بدهید در لابه لای پرسش‌ها، به موارد هشت‌گانه مذکور خواهیم پرداخت.

دکتر قرضاوی: یکی دو دقیقه به من اجازه بدهید تا موضوع دیگری را مطرح کنم، زیرا آنچه در عراق روی می‌دهد، یکی از مهمترین مواردی است

که به خاطر آن در این گفتگو شرکت کرده‌ایم، مساله خون‌هایی که روزانه بر زمین ریخته می‌شود، و پدیده قتل عام‌ها توسط جوخه‌های مرگ و ملیشاه‌ها و چیزهایی از این قبیل که پشت سر آنها تعصبات مذهبی شناخته شده‌ای قرار دارد، این مسأله‌ای محوری است عده‌ای مردم را از خانه‌ها و اماکن سکونت‌شان از سرزمینی که در آن به دنیا آمده و خود و اجدادشان در آن زندگی کرده‌اند بیرون می‌کنند، مساجد بسیاری با زور از صاحبانشان غصب شده‌اند، هرچند حسینیه‌هایی نیز اینچنین شده‌اند، اما در مقایسه با مساجد غصب شده اندکند؛ اگر می‌خواهیم صریح و بی‌پرده سخن بگوییم باید آن موارد را مورد توجه قرار بدهیم.

موضوع دیگر این است که ما با تجزیه ممالک اسلامی به شدت مخالفیم، زیرا قدرت‌هایی که با اسلام دشمنی می‌ورزند، برای تقسیم و تجزیه سرزمین‌های ما طرح و برنامه دارند، پاره پاره کردن آن‌ها را در دستور کار خود قرار داده‌اند، منظورم تجزیه کلی نیست، بلکه تجزیه محلی و منطقه‌ای است، برای مثال می‌خواهند عراق، سوریه و مصر را به چندین کشور کوچک تقسیم نمایند؛ این موضوع به هیچوجه پذیرفتنی نیست، عراق همچنان به صورت کشور و مردمی یکپارچه باید باقی بماند، لازم است از یکپارچگی این ملت پاسداری شود، و تمامی طرح‌ها و برنامه‌های تقسیم‌کننده عراق و دیگر کشورهای اسلامی را مردود و محکوم می‌شماریم. به همین مقدار بسنده می‌کنم و فرصت را برای طرح پرسش‌ها از طرف برادر محترم استاد احمد در اختیار ایشان قرار می‌دهم.

مجری: با تشکر از استاد یوسف قرضاوی، اکنون به طرح پرسش‌های بسیاری که از قبل آماده کرده‌ام می‌پردازم، اما به خاطر سپری شدن بخشی از وقت ناچارم از تعدادی از پرسش‌ها صرف نظر کنم. قبل از طرح اولین سؤال از شیخ رفسنجانی این پرسش را دارم که آیا جواب‌هایتان

به پرسش‌های ما بیان دیدگاه شخصی شماست یا اینکه دیگر مراجع و مسئولین نیز با شما هم عقیده هستند؟ این را به خاطر آنکه بینندگان متوجه موضوع باشند می‌پرسم، لطفاً خیلی کوتاه پاسخ بدهید، تا به موارد دیگر بپردازیم.

هاشمی: طبعاً من از نگاه و دیدگاه خودم صحبت می‌کنم، اما می‌دانم در بسیاری از مسائلی که در این برنامه مطرح می‌کنم؛ بسیاری از علما در ایران با من هم عقیده هستند.

مجری: با تشکر از شما، بگذارید از اینجا آغاز کنیم؛ سخنان شیخ قرضاوی را در ارتباط باگردهمایی مگه، و عدم حضور مراجع بزرگ شیعه در آن اجتماع و خود داری ایشان از امضای معاهده، شنیدید، برخی بر این باورند که عدم حضور ایشان مانع پیشگیری از فتنه موجود میان مسلمانان شد؛ موضوع دیگر، مسأله ناسزاگویی به اصحاب رسول خداست، سخنان جناب دکتر قرضاوی را شنیدید، شما چه می‌فرمایید؟

هاشمی: نظر من اینست که کارهایی که مردم عوام و افراطی‌های دو طرف انجام می‌دهند، نباید باعث ایجاد تفرقه در میان مسلمانان بشود؛ همه ما براساس دستور قرآن باید به حبل الله متوسل شویم و در برابر خطراتی که امت اسلامی را تهدید می‌نماید، بر روی وحدت اسلامیمان اصرار بورزیم. و مهمترین آن خطرات اسرائیل و صهیونیسم و استکبار جهانی است، آنان بذر فتنه می‌پاشند و برخی از کشورهای ما مسلمانان را اشغال کرده‌اند و این را مدت‌هاست که آغاز کرده‌اند و به دنبال تسلط بر منابع ما هستند، به همین سبب وظیفه امت اسلامی است که جمعیتی حدود یکونیم میلیارد را تشکیل می‌دهند و حدود ۶۰ کشور اسلامی داریم و در سازمان ملل از وزن قابل توجهی برخوردارند، و نقاط استراتژیک و حساسی را در دنیا در اختیار دارند در واقع نقاط بسیار مهمی هستند. همچنین بهترین منابع را مانند

انرژی که خداوند به آنان ارزانی داشته صاحب هستند و قرآنی را در اختیار داریم که ما را در زندگیمان راهنمایی می‌کند. و همچنین از سنت پیامبر و سیره ائمه برخورداریم و علما و دانشمندان و دانشگاه‌ها و شخصیات فراوانی وجود دارند. به همین سبب امت اسلامی حق دارند قدرت بزرگی را تشکیل بدهند و از امت مسلمان دفاع نمایند. ما به دنبال تعرض به دیگران نیستیم، بلکه هدفمان پاسداری از اسلام است؛ این هدف به وحدت نیازمند است. ما نمی‌خواهیم وارد پاره ای از مسایل فرعی بشویم که این چنین گفت و آن چنان گفت. ما در ایران خطبه‌ها و سخنرانی‌هایمان را با جملاتی همچون: «الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وآله وأصحابه» آغاز می‌کنیم. تقریباً تمامی خطبا و سخنران‌ها اینگونه سخن خود را شروع می‌کنند، ما شیعه‌ها در ایران به توحید و نبوت و معاد ایمان داریم و هر انسانی این باورها را داشته باشد او را مسلمان می‌دانیم و در نتیجه جان و مال و حیثیت او مصون و محترم است؛ و به هیچ وجه نباید به حقوق و شخصیت چنین انسانی تعرض بشود، و چنین کاری حرام است. هرچند گله‌مندی‌ها و ملامت‌هایی از دو طرف وجود دارد؛ اما این شرایط، شرایط ملامت و بازخواست نیست، ما باید دست به دست یکدیگر بدهیم و از هویت اسلامی خود دفاع کنیم.

مجری: بسیار کوتاه می‌گویم که برخی از اهل سنت می‌گویند: «تا زمانی که برای دوری از سب صحابه فتوایی (از طرف مراجع) صادر نشود، نباید چنین موضعگیری و سخنانی را جدی گرفت».

هاشمی: کدام موضعگیری؟

مجری: موضعگیری در برابر توهین به اصحاب رسول خدا احیاناً از طرف عوام شیعه، نمی‌گویم از طرف علما؟

هاشمی: بارها از طرف علمای اسلام و علمای شیعه این موضوع مطرح شده است، به ویژه از طرف مرحوم امام و اخیراً هم مقام رهبری در این ارتباط سخن گفتند، من بر این باورم که لازم است هر دو طرف به این ابتکار دست بزنند و علمای طرفین چنان فتوایی را صادر نمایند و بر روی مسایل اختلاف برانگیز دست نگذارند، مسایلی که اگر مورد توجه قرار گیرند، عامل وحدت نخواهند بود؛ هیچگاه تفرقه سودی را عاید نخواهد کرد. و همانگونه که قرآن می‌فرماید: نزاع ما را دچار شکست خواهد کرد. ﴿وَلَا تَنزَعُوا فِتْنَتَكُمْ فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾ [الأنفال: ۴۶] ما نمی‌خواهیم که امت اسلامی دچار ضعف شود، ما پیش از هر سخنرانی از آل و اصحاب پیامبر اسم می‌بریم، پس این مناقشات به خاطر چیست؟

مجری: به دوحه می‌رویم و با جناب دکتر قرضاوی همراه می‌شویم، جناب شیخ برای آنکه اهل انصاف باشیم باید یادآوری کنیم که: بعضی از شیعیان می‌گویند: عده‌ای از مسلمانان اهل سنت عملکردها و موضعگیری‌هایی دارند که نمی‌تواند برای در نطفه خفه کردن فتنه‌ها سازنده باشد. برای مثال آنان از مسأله: هلال شیعی و فتوای تکفیری از طرف برخی علما و پاره‌ای از مسئولین کشورهای اسلامی که حکم کفر اهل تشیع را صادر می‌کنند گله‌مندند، اگر شیعیان بر روی رویدادهای تاریخی اسلام انگشت می‌گذارند، اهل سنت نیز بر روی حوادثی تاریخی مانند اشغال بغداد (توسط هلاکوخان مغول) و ابن علقمی و نصیرالدین طوسی و... اشاره می‌کنند، این امور نیز در حد خود وارد کردن اتهام است. نظر شما چیست؟ زیرا اتهام‌های متقابلی وجود دارند، و شیعیان نیز گله‌مندی‌هایی دارند.

دکتر قرضاوی: می‌توانم به نمایندگی از طرف تمامی اهل سنت بگویم که: ما رویدادهای تاریخی را پایه باورهای خویش قرار نمی‌دهیم، ما از تاریخ بهره می‌گیریم، اما آن را باری بر دوش خویش قرار نمی‌دهیم، و خود را اسیر آن

نمی‌گردانیم، ما بر این باوریم که اگر شیعیانی بوده‌اند که به خطا رفته یا منحرف گردیده‌اند و حتی خیانت کرده‌اند، بار گناه آنان را بر دوش شیعیان معاصر قرار نمی‌دهیم، زیرا قرآن به صراحت می‌فرماید: ﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ^ط لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلكُمْ مَا كَسَبْتُمْ﴾ [البقرة: ۱۳۴] ما در مورد اصحاب نیز همین باور را داریم، فرض کنیم که در میان اصحاب کسانی دچار اشتباه شده باشند، آنان اشخاصی بوده‌اند که اکنون نیستند، ما فرزند زمان خویش هستیم.

در ارتباط با مسأله تکفیر باید گفت که: تکفیر موضوعی دو جانبه شده است، اما مهم این است که بدانیم چه تعداد از اهل سنت شیعه را تکفیر می‌کنند، بدون تردید اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت به تکفیر متوسل نمی‌شوند، نباید فتوای تکفیر شیعه از طرف یکی دو نفر را بهانه قرار بدهیم. آنچه در لبنان روی داد شاهد است که، اکثریت قاطع جهان اسلام از حزب الله حمایت کردند، زیرا امکان ندارد که در برابر حزب الله از اسرائیل جانبداری نمایند. اگر اینجا و آنجا فتاوی صادر می‌شود، به هیچ وجه نمایندگی رویکرد عمومی اهل سنت نیست، زیرا اگر بخواهیم مردمی را بازخواست کنیم لازم است بر روی رویکرد عمومی آن تأکید کنیم، رویکردی که بدور از چنین تکفیری است.

همچنان که گفتیم: ما در عرصه تقریب دیدگاه و دور نمودن فتنه‌هایی که عامل بدترین پراکندگی هستند، باید به دیدگاه اهل اعتدال و میان‌روهای دو مذهب تکیه نماییم.

مجری: بر این باورم که آقای هاشمی از اهل اعتدال و میان‌روها هستند. اینک اجازه بدهید به موضوع دیگری بپردازیم، و آن این است که وقتی یک شیعی سخن می‌گوید، بسیاری از اهل سنت می‌گویند که اهل تشیع به مسأله تقیه اعتقاد دارند، چگونه می‌توانیم از صداقت آنچه که بر

زبان می‌آورید مطمئن شویم؟ اجازه بدهید این سؤال را هم بپرسم و آن این است که آیا مراجع شیعه از روش تقيه بهره می‌گیرند و آن را تأیید می‌کنند؟ به خاطر آنکه دقیق تر سؤال را مطرح نمایم اجازه بدهید متن سؤال را بخوانم، آیا در ارتباط با روابط میان مسلمانان تقيه مطرح است، یا در موارد خاصی کاربرد دارد و در غیر آن جایز نیست؟

هاشمی: فکر می‌کنم این موضوع جزو همان چیزهایی است که دشمنان به آن دامن می‌زنند. اگر زندگی خردمندان و اشخاص و حکومت‌ها و کشورها را ملاحظه کنید، می‌بینید که اموری وجود دارند که انسان نمی‌خواهد آنها را برملا کند، از جنبه قانونی هم می‌دانیم پاره‌ای از اسناد وجود دارند که تنها بعد از سپری شدن مدّت زمانی کشف آنها جایز است، این معنای خردمندانۀ تقيه است.

طوری نیست که بشود برای هر انسانی همه آن چیزی را که می‌خواهد و یا در آن مصلحت نمی‌داند، مطرح کند، اما تقيه‌ای که شیعه به آن باور دارد، برگرفته از خود قرآن و اسلام است، یعنی ما نباید اسرار مسلمانان را برای غیر مسلمانان افشاء کنیم، حتی در بین خود شیعه نیز برخی از مسایل مطرح نمی‌شوند، زیرا در هر حکومت و هر کشوری مسایلی سرّی وجود دارند، و هیچکس اقدام به افشای آنها نمی‌کند. سادگی است اگر مفهوم تقيه را به تحرکات سرّی نادرست تفسیر کنیم. تقيه‌ای که ما باور داریم موضوعی عاقلانه است و در میان شیعه و سنی و تمامی حکومت‌ها وجود دارد.

مجری: در این صورت تقيه دارای حکم مخصوص به خود است، پیش از انتقال به دوحه به طرح پرسش متقابل می‌پردازم. گفته می‌شود که برای شیعه نمودن اهل سنت یا سنی کردن شیعه فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد. نظر شما در این رابطه چیست؟ زیرا اعتراضاتی در مورد تلاش‌های ایران برای شیعه نمودن تعدادی از مردم در کشورهایی که صرفاً اهل سنت هستند

انجام می‌گیرد. تا این موضوع را برای بینندگان روشن کنیم و نگرانی‌های درونی را بزداییم.

هاشمی: پرسش متوجه من است؟

مجری: بله.

هاشمی: ببینید بهترین راه برای شناساندن کار خوب و یا یک اندیشه خوب یا گرایشی صحیح، عملکرد درست است، و چنین چیزی است که امکان بدست آوردن دل دیگران را فراهم می‌نماید، ما باید درست عمل کردن را به دیگران نیز بیاموزیم، اگر منظور این باشد که ما از کار نیک و عمل صالح دست برداریم، این درست نیست، ما باید از حق دفاع کنیم و اعمال نیک انجام بدهیم و از مظلومین دفاع نماییم، اگر ما چنین عمل کردیم، درست است که دیگران ما را به فراخوانی و تشویق دیگران متهم کنند؟، نه این درست نیست، من فکر می‌کنم که همه از این حق برخوردارند، اما اگر بخواهیم از دیگران عیبجویی نماییم و آنان را متهم کنیم این درست نیست و ما چنین نمی‌کنیم و آن را کار درستی نمی‌دانیم. البته ما انتظار داریم که همگان اینگونه باشند، و از طریق عملکرد خود مبلغ باورهای خود باشند و هریک بکوشد درست عمل کند و همانگونه که گفتم با عملکرد درست خود دیگران را دعوت کند تا راه خویش را در پیش بگیرد.

مجری: شیخ یوسف در دوحه، حقیقت این است وقتی این پرسش‌ها را با آقای هاشمی رفسنجانی مطرح می‌کنیم، این سؤال را هم از شما می‌پرسم، بسیاری از شیعیان می‌گویند که: اهل سنت دارای مراجع نیستند، چگونه مطمئن باشیم هنگامی که دربارهٔ اموری به توافق رسیدیم، مواد آن راه خود را میان اهل سنت باز می‌کند، و به صورت عملی و واقعی در می‌آید؟ به ویژه گاهی اختلافاتی در بین علمای اهل سنت روی می‌دهد و گاهی میان علما و حکام به وجود می‌آید.

همچنین می‌گویند: اگر ما برای شیعی کردن تلاش می‌کنیم، اهل سنت در پاره‌ای از کشورها تلاش‌های مشابهی را برای سنی‌نمودن اهل تشیع دارند. ما باید منصف باشیم، آنان همچنین می‌گویند: در پاره‌ای از کشورها با اکثریت اهل سنت شیعیان از حقوق کامل برخوردار نیستند، نظر شما در این ارتباط چیست؟

دکتر قرضاوی: پیش از هرچیز می‌خواهم در مورد مسأله تقیه توضیح بدهم، درست است که در قرآن به تقیه اشاره شده، اما در ارتباط با غیر مسلمانان است، زیرا خداوند می‌فرماید: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاتَةً﴾ [آل عمران: ۲۸] یعنی تقیه در ارتباط با غیر مسلمانان بکار گرفته شده است. آن هم به صورت استثناء بکار رفته و در عرصه عمل و تعامل قاعده‌ای همیشگی به شمار نمی‌آید.

این موضوع که اهل سنت نیز به تبلیغ مذهب خود می‌پردازند و همچون اهل تشیع عمل می‌کنند، درست نیست، اینکه جناب شیخ رفسنجانی می‌گوید: اگر کسی عملکرد خوبی داشته باشد لازم است برای گسترش خیر آن را تبلیغ کند، این موضوع مورد نظر من نیست، منظور تلاش برای شیعی کردن سنی و تشویق آنها به تغییر مذهب خویش است؛ یعنی از مذهبی به مذهب دیگری منتقل شوند، این کار زمینه‌ساز فتنه و آشوب است. من مرتبه قبل که دیداری از ایران داشتم به دوستان گفتم که: در نهایت چه سودی به دست می‌آورید؟ مثلاً شما به کشوری مانند سودان، مصر، مراکش، الجزایر، تونس و... رفته‌اید و برای گسترش تشیع در میان آنان تلاش کرده‌اید؛ چند نفر را می‌توانید شیعه کنید؟ ۱۰ - ۲۰ - ۱۰۰ - ۱۰۰۰ یا ۱۰۰۰ یا ۲۰۰۰ نفر، اما به دنبال آن تمامی مردم آن کشور را علیه خود

خواهید شورانید آنها در برابرتان خواهند ایستاد و از شما بدشان خواهد آمد، چنین چیزی روا نیست؛ اهل سنت چنین نمی‌کنند، من در جریان هستم و با بسیاری از جمعیت‌های بزرگ تبلیغی مانند: «سازمان جهانی امور خیریه»، «دعوت اسلامی کویت»، «سازمان دعوت اسلامی سودان» و «جمعیت دعوت لیبی» در ارتباط هستم مطمئناً تلاش برای ستی کردن شیعیان به هیچوجه در برنامه کاری آنان وجود ندارد.

مجری: اجازه بفرمایید پرسم؛ نظر شما در مورد نگرانی اهل تشیع از عدم برخورداری اقلیت‌های شیعی از حقوق خود در کشورهای اهل سنت چیست؟

دکتر قرضاوی: این موضوعی است که با دوستان درباره ضرورت مراعات آن به توافق رسیده‌ایم، یعنی برای آنکه حقیقتاً با یکدیگر به تفاهم برسیم، حقوق اقلیت‌های موجود در کشورهایی که دارای مذهبی غیر از مذهب اقلیت هستند، باید مراعات شود، یعنی اقلیت‌های شیعی در کشورهای اهل سنت از تمامی حقوق خود بر خوردار باشند، همچنین اقلیت اهل سنت حقوق خود را در کشورهای شیعی بدست بیاورند. ممکن است پاره‌ای از دولت‌ها که اکثریت مردم آن اهل سنت‌اند، تمامی حقوق اهل تشیع را مراعات نمایند، اما به تعدادی از شیعیان در آن کشورها مقام وزارت و سفارت داده شده است، مدتی پیش که به اندونزی سفر کرده بودم، ریاست هیأت دیپلماسی کشورهای عربی (که با من ملاقات داشتند) یک نفر شیعی کویتی بود، در برخی از کشورهای خلیج به اشخاصی از شیعیان مقام وزارت سپرده شده است.

اما من بارها به دوستان ایرانی گفته‌ام: شما دارای جمعیت بزرگ ۱۵ میلیونی از اقلیت اهل سنت هستید - هرچند خود اهل سنت می‌گویند جمعیت ما به مراتب بیشتر از این است - در عین حال حتی یک نفر وزیر هم

ندارند، ما در مصر دارای سه وزیر قبطی هستیم که اقلیتی به مراتب کمتر از اهل سنت در ایران است.

اهل سنت می‌خواهند تعدادی مسجد در تهران داشته باشند، اما تاکنون با این درخواست ایشان موافقت نشده است؛ این چیزی است که شامل دو طرف می‌شود، اگر به راستی می‌خواهیم تمامی درها را بر روی فتنه‌گری‌ها ببندیم و آتش فتنه را که مدام به تباهی و بدی می‌انجامد خاموش نماییم، باید اقلیت‌ها حق خویش را از اکثریت بگیرند.

مجری: جناب شیخ یوسف اجازه بفرمایید، به آقای رفسنجانی برگردیم، و محور دوم را مورد بررسی قرار بدهیم. اما خواهش می‌کنم که کوتاه پاسخ بدهید! زیرا زمان زیادی را برای این مناظره در اختیار نداریم، محور دیگر قضیه عراق است؛ در این ارتباط که موضوع عراق پیش از آنکه بحرانی مذهبی باشد، مسأله‌ای سیاسی است، و شاید مسائل دینی به تبع و به دنبال آن مطرح شده باشند. برخی بر این باورند که ایران موافق ادامه وضع کنونی در عراق است، شما در عین اینکه آمریکا را اشغالگر به حساب می‌آورید می‌دانید این اشغالگران هستند که حکومتی مذهبی و متعصب را بر سر کار آورده، و این حکومت براساس سهمیه‌بندی‌های مذهبی به وجود آمده است و اکنون نماینده احزابی است که تعدادی از سران آنها پیشتر در ایران بوده و مورد حمایت شما قرار داشته‌اند و اکنون هم با ایران در ارتباط‌اند؛ چگونه می‌توانید دوگانگی حمایت از امت اسلامی از یک سو و حمایت از حکومتی فرقه‌گرا در عراق را از سوی دیگر توجیه کنید؟

هاشمی: بله پیش از اینکه در ارتباط با عراق چیزی بگویم به اظهارات جناب آقای قرضاوی اشاره‌ای بکنم، اگر بخواهم به آنچه ایشان بدان اشاره کردند بپردازم، درست در همان دامی خواهیم افتاد که آمریکا برای ما گذاشته و گرفتار خواهیم شد؛ ایشان در ارتباط با اهل سنت به آمار و

ارقامی اشاره می‌کند و چیزهایی را (مانند: محرومیت اهل سنت از مدیریت کشور و وجود مساجدی در تهران) مطرح می‌کنند که برای آنها پاسخ‌هایی وجود دارد؛ اما اگر بخواهم به آنها جواب بدهم گفتگو به صورت همان چیزی که آمریکا می‌خواهد درخواهد آمد، چیزی که ما خواستارش نیستیم و آمریکا و اسرائیل به دنبال آن هستند، و طبعاً آقای شیخ قرضاوی نیز چنین چیزی را نمی‌خواهد و نمی‌خواهیم به این سمت برویم.

اما در رابطه با عراق ما دارای دیدگاه روشنی هستیم و مدام آن را اعلام کرده‌ایم، ما خواستار یکپارچگی ارضی و وحدت مردم عراق می‌باشیم، ما می‌خواهیم عراق یکپارچه باقی بماند و تجزیه نشود و ملت عراق به حاکمیت ملی خویش برسد. ما علاقه‌مندیم که همه ملیت‌ها و پیروان تمامی ادیان در کنار یکدیگر در زیر پرچم و حکومتی واحد به زندگی مسالمت‌آمیز خود ادامه بدهند، و از تمام ساز و کارهای حکومتی فراگیر برخوردار گردند. شیعیان به بهانه‌ای که در گذشته مورد ستم قرار گرفته‌اند و حکومتی سنی ایشان را سرکوب کرده اکنون در پی انتقام‌جویی می‌باشند. ما باید به آینده بیندیشیم، همه باید دست به دست هم بدهند، اشغالگران در عراق حضور دارند چنانچه همه با هم متحد شوند، فرصتی برای اشغالگری باقی نخواهد ماند و باید اشغالگر را بیرون بیندازند. ما و دیگر کشورهای همسایه عراق باید از این یکپارچگی پاسداری کنیم؛ و هر انسانی را که در عراق دست به خشونت می‌زند نصیحت کنیم و کار او را محکوم کنیم و ملت عراق را یاری دهیم که به وظیفه خویش عمل کند.

مجری: اجازه بدهید یادآور شوم که بسیاری بر این باورند که: ایران در عراق دارای نقش امنیتی است و سیستم‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران در آن کشور فعال‌اند. علی‌رغم مخالفت با اشغالگر در جهت ادامه‌ی اوضاع کنونی اقداماتی را صورت می‌دهند؛ آیا چنین نشانگر نوعی تضاد در سیاست

ایران در عراق نیست؟ همچنین ایران دارای موضعگیری‌های متفاوتی در ارتباط با لبنان و فلسطین است. (که بعداً به آن خواهیم پرداخت، یعنی وقتی که در مورد قضیه مقاومت در عراق سخن خواهیم گفت

هاشمی: کسی که این جور چیزها را مطرح می‌کند، دارد با زبان آمریکا سخن می‌گوید، ما به هیچوجه نمی‌خواهیم در امور مربوط به عراق دخالت کنیم، و ما علاقه‌مندیم که مردم عراق خود سرنوشت خویش را رقم بزنند، هیچ دلیلی وجود ندارد که ما در عراق دخالت داریم، در هر کجای دنیا مسلمانان مشکلی داشته باشند ما به آنان کمک می‌کنیم، مگر ما به مردم بوسنی یاری نرساندیم، آنان که شیعه نیستند، اهل سنت‌اند، مگر ما به مردم فلسطین کمک نمی‌کنیم، مگر مردم فلسطین شیعه‌اند! من به سبب دفاع از مسئله فلسطین شکنجه شده‌ام. قضیه بدین صورت نیست، ما مدافع امت اسلامی هستیم، وقتی از عراق دفاع می‌کنیم به عنوان کشوری اسلامی به آن می‌نگریم که از طرف نیروهای آمریکایی اشغال شده است، ما به دنبال یاری عراق هستیم و نمی‌خواهیم در امور داخلی آن دخالت کنیم، آنها خود بهتر می‌دانند امورشان را چگونه حل و فصل کنند، انتخابات را برگزار می‌کنند و هریک که رأی بیشتری آورده دولت را تشکیل می‌دهد، و یا در مجلس اکثریت را بدست می‌آورد؛ لازم است دیگران نیز در امور داخلی عراق دخالت نکنند تا مردم آن کشور زمام امور خویش را بدست بگیرند. استعمارگران به دنبال ایجاد تفرقه‌اند، ما باید اینگونه اختلافات را در ارتباط با مردم عراق از خود دور کنیم.

مجری: حقیقتاً نمی‌خواهم در ارتباط با این موضوع سخن را بیشتر ادامه بدهم، اما می‌خواهم این رأی شخصی خودم را بگویم و نمی‌خواهم شما به آن پاسخ بدهید، که تنها پس از پایان حضور اشغالگران است که عراق می‌تواند به استقلال خود برسد و زمام امورش را در دست بگیرد.

اینک به دوحه می‌رویم تا از جناب دکتر قرضاوی بپرسیم که: اگر در عراق احزابی شیعی هستند که زیر سلطه اشغالگران حکومت می‌کنند، احزابی از اهل سنت هم هستند که در آن حکومت مشارکت دارند، و این نیز فعالیت زیر پرچم بیگانه است، از طرف دیگر گروه‌هایی از اهل سنت هستند، و نمی‌خواهم از آنها اسم ببرم و رسانه‌ها از آنها سخن می‌گویند که: به نام اسلام اقداماتی ناصواب را علیه شیعه و غیر شیعه در عراق صورت می‌دهند، آن گروه‌ها هر از چند گاهی اطلاعیه‌های تکفیری از طریق اینترنت منتشر می‌کنند و همگان از این خبر دارند، آیا جلوگیری از این قضیه هم نمی‌تواند در جهت جلوگیری از فتنه و آشوب در عراق و دیگر جاها نقش سازنده‌ای داشته باشد؟

دکتر قرضاوی: دوست عزیز! ما برای اصل مشارکت احزاب در حکومت اهمیت چندانی قائل نیستیم، زیرا مشارکت در حکومت‌ها، دیدگاه‌هایی سیاسی‌اند که گاهی درست و گاهی نادرست از آب درمی‌آیند؛ برخی از برادران اهل سنت ما دارای دیدگاه‌های مغایری بودند و درباره آن تجدیدنظر کردند، برخی مشارکت نموده و عده‌ای هم در صف مقابل ایستاده‌اند. اما چیزی که بر روی آن تأکید می‌ورزیم، برخورداری مردم عراق از حق رویارویی با اشغالگران است، به این پرسش باید پاسخ داده شود که آیا مقاومت موضوعی است مشروع و مطلوب یا نامشروع و محکوم؟

بر ماست اعلان کنیم که مردم عراق، همچنین مردم فلسطین و افغانستان و هر ملت دیگری که کشورش اشغال شده باشد، حق دارند که در برابر اشغالگران مقاومت و ایستادگی کنند؛ این حکم و فرمان اسلام است که هرگاه دشمنان، سرزمینی اسلامی را اشغال کردند، جهاد و مقاومت در برابر ایشان بر مردم آن سرزمین واجب عینی است، و بر دیگری که اطرافشان هستند واجب عینی است که ایشان را یاری بدهند؛ این چیزی

است که لازم است درباره آن صحبت کنیم، در واقع مسأله اصلی مشارکت و عدم مشارکت نیست، مسأله روا شمرده شدن قتل و کشتار دیگران است، مشکل عراق این است که روزانه قتل عام‌های دسته جمعی صورت می‌گیرد. اگر در میان اهل سنت هستند کسانی که به خشونت دست می‌زنند ما آن را از همان آغاز محکوم کرده و می‌کنیم و (اتحاد جهانی علمای مسلمین) در این رابطه مرتب بیاناتی را صادر کرده است، و من بارها در برنامه «شریعت و حیات» تلویزیون الجزیره و خطبه‌های جمعه (در مسجد عمر بن خطاب) از مراجع تقلید عراق و ایران خواسته‌ام که فتوهای قاطعی را در محکومیت قتل و خونریزی متقابل مسلمانان صادر کنند.

هرچند جناب شیخ هاشمی رفسنجانی می‌خواهد دخالت کشورش در عراق را انکار کند، اما من بر این باورم که ایران در مورد عراق مسئول است و همگان بر روی این موضوع اصرار دارند که ایران در عراق نفوذ دارد و کلیدهای بسیاری برای حل مشکلات عراق در دست ایران است و اگر بخواهد می‌تواند در برابر وضع موجود موضعگیری قاطعی داشته باشد. اگر این حقیقت را انکار کنیم، نتوانسته‌ایم در این دیدار کاری مثبت را انجام بدهیم، زیرا هدف اصلی ما این است که همه از جاری شدن روزانه جوی خون در عراق جلوگیری کنیم. صدها هزار انسان بی‌گناه عراقی کشته شده‌اند، این وضع تا کی باید ادامه پیدا کند؟، این موضوعی است که لازم است در باره آن چاره‌جویی شود.

مجری: جناب شیخ اجازه بفرمایید، ما باید جانب حق و انصاف را مراعات کنیم، اکنون به سبب عوامل متعددی ایران در معرض تهدید آمریکا قرار دارد، نظر شما در مورد پاره‌ای از کشورهای اسلامی با اکثریت اهل سنت چیست که از کشوری اسلامی حمایت نمی‌کنند، فراتر از آن

گفته می‌شود که به دنبال تحریک بیشتر آمریکا علیه ایران هستند؛ چنین چیزی را چگونه می‌توان پذیرفت؟

دکتر قرضاوی: پیش از هر چیز باید بگویم: نه اینکه من وکیل مدافع حکومت‌های عربی و غیر عربی نیستم، بلکه بارها و بارها علیه آنها سخن گفته‌ام، اما مسأله‌ای که برای من حائز اهمیت است مسألهٔ مردم و توده‌های مسلمان است. درست است که ما در ارتباط با مسألهٔ عراق و موضعگیری در مورد اصحاب رسول خدا ﷺ و ترویج شیعی‌گرایی در ممالک صرفاً اهل سنت با ایرانی‌ها اختلاف داریم، و در اینگونه مسائل مثل هم فکر نمی‌کنیم؛ اما هرگاه ایران از طرف آمریکا و یا هر کشور دیگری مورد تهاجم قرار بگیرد، به صراحت و روشنی علیه آن موضع خواهیم گرفت، و اجازه نخواهیم داد نه تنها علیه ایران بلکه علیه هیچ کشور مسلمان دیگری تجاوزی صورت بگیرد، ما با جنگ و تجاوزگری به هر صورتی که باشد مخالفیم، چگونه از تعرض به یک سرزمین اسلامی خشنود خواهیم شد؟ من بارها این موضوع را اعلام کرده‌ام و در کنفرانس دوحه نیز گفتم: هرگاه علیه ایران تعرضی صورت بگیرد ما در کنار ایران خواهیم بود و علیه متجاوزان خواهیم ایستاد، زیرا ما در کنار صاحب حق خواهیم بود، مگر ایران چه جرمی را مرتکب شده تا مورد تعرض قرار بگیرد، اگر می‌خواهد از انرژی هسته‌ای مسالمت‌آمیز استفاده کند، این حق اوست، چرا باید جلو او را بگیرند؟ موضع ما در این ارتباط واضح و صریح است و هیچگونه ابهامی در آن نیست.

مجری: جناب شیخ از شما سپاسگذارم. آقای هاشمی، موضعگیری اهل سنت را در ارتباط با تجاوز احتمالی به ایران شنیدید، تا حدودی همچنان در رابطه با اوضاع عراق خواهیم بود، می‌دانید که علیه حضور آمریکا در عراق مقاومتی وجود دارد و ایران نیز حضور آمریکایی‌ها را اشغالگری می‌داند. من در اینجا عین پرسش مکتوب را مطرح می‌کنم تا

برداشت دیگری از آن نشود؛ چرا تا کنون از طرف مراجع شیعی فتوایی مبنی بر ضرورت و وجوب مقاومت در تمامی عراق و در تمامی مناطق سنی و شیعی صادر نشده و مقاومت موجود در استان الأنبار و بغداد را تأیید نموده‌اند، هرچند اگر عادلانه بخواهیم قضاوت کنیم باید اذعان نماییم که از طرف برخی از شیعیان نیز مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد. چرا چنین فتوایی به طور روشن صادر نمی‌شود؟

هاشمی: فکر می‌کنم ما بارها و بارها و شاید صدها بار مقاومت علیه اشغالگری را تأیید کرده‌ایم و آن را واجب و ضروری دانسته‌ایم، آنچه را ما تأیید نکرده‌ایم جنگ و برادرکشی عراقی‌هاست. از طرف دیگر بدیهی است و شما فراموش نکرده‌اید که کدام طرف شروع کرده، من نمی‌خواهم در این دیدار وارد جزئیات شوم و کاری کنم که آمریکا خشنود شود، از آقای قرضاوی نیز انتظار دارم که چیزهایی را که احیاناً آمریکا مطرح می‌کنند، به میان نکنند، و حقیقت کنار نهاده نشود. مقاومت در برابر اشغالگران حقی است که همهٔ مردم عراق از آن برخوردارند. شما حتی یک اقدام تروریستی را که یک نفر ایرانی صورت دهد در عراق مشاهده نمی‌کنید، اما بسیاری از شهروندان عرب و از کشورهای عربی دستگیر شده‌اند که در اقدامات تروریستی مشارکت داشته‌اند.

و جناب آقای قرضاوی به خوبی می‌داند که آنان از کجا می‌آیند. ما قصد دخالت در امور عراق را نداریم و می‌خواهیم مردم عراق خود سرنوشت خویش را رقم بزنند. ما تمامی اقداماتی را که علیه بارگاه‌ها و حسینیه‌ها و مساجد صورت می‌گیرد محکوم می‌کنیم و بارها و بارها این موضوع را مطرح کرده‌ایم، باید انصاف به خرج بدهیم و اجازه بدهیم مردم عراق از طریق آراء خود رویکرد خود را معلوم کنند، همهٔ اقشار مردم عراق باید در حکومت و در سیستم اداری و قانونی بر اساس میزان رأی مشارکت داشته

باشند. در این صورت میان مسلمانان و حکومت‌های مسلمان اختلافی باقی نخواهد ماند، این موضوعی خردمندانه و مشروع است و جهانیان از آن اطلاع دارند، و تقویت اختلافات در این شرایط تنها به سود آمریکا و اسرائیل تمام خواهد شد.

مجری: فقط در جهت بیان حقیقت می‌گویم؛ همانگونه که جناب شیخ قرضاوی اظهار داشتند - البته این را هم بگویم که بعد از این پرسش از شما پرسش مشابهی را از ایشان خواهم داشت - همانگونه که می‌دانید در عراق میلیشاهای و جوخه‌های مرگ روزانه انسان‌هایی را به سبب پیروی از فلان مذهب می‌کشند! حتی گاهی به سبب عواملی ساده مانند اینکه: اسم او فلان است! چنین چیزی روی می‌دهد؛ نظر شما در این باره چیست؟ تا جهانیان موضع‌گیری شما را در این رابطه بدانند.

هاشمی: چنین چیزی از هر طرف که صورت بگیرد گناه بزرگی است، نباید خون یک مسلمان و حتی غیر مسلمان در عراق بر زمین ریخته شود، تمامی مردم عراق باید از طریق اجرای قانون از امنیت برخوردار شوند، اما افراطی‌ها با هدف ویژه‌ای به عراق آمده‌اند؛ آمده‌اند تا مانع از آن شوند که مردم عراق خود زمامدار امور خود شوند، و اشغالگران آمریکایی نیز از چنین چیزی اظهار رضایت می‌نمایند، زیرا زمینه و بهانه ادامه حضورشان را فراهم می‌کند، به همین خاطر بر ما علمای شیعه و سنی و تمامی مراکز و شخصیت‌های فکری و فرهنگی در جهان اسلام است که زمینه را برای مردم عراق فراهم کنیم تا زمام امور و سرنوشت خود را بدست بگیرد. دیگر مسایل ارتباطی به ما ندارد زیرا خود آنان از رشد و خرد کافی برخوردارند.

مجری: سؤال بعدی را از دکتر یوسف باید بپرسم، اما این را بگویم که برخی بر این باورند که اگر از طرف مسئولین و مراجع ایران در محکومیت

اقدامات جوخه‌های مرگ فتوایی صادر می‌شد، از اقدامات آنان جلوگیری می‌کرد.

هاشمی: من پاسخ این پرسش را بار دیگر تکرار می‌کنم؛ ما بارها چنین چیزی را حرام شمرده‌ایم، دیدگاه تمامی علمای ایران و مقام رهبری این است که چنان اقداماتی شرعاً حرام است و جزو گناهان کبیره است و هرکس مرتکب آنها بشود مستحق آتش جهنم است، از نظر ما همه این‌ها روشن هستند، مسلمانان نباید با یکدیگر به جنگ بپردازند، اما لازم است ببینیم کدام طرف شروع کرده است؟ چه کسی آیه الله حکیم را بعد از بیست سال مبارزه و بازگشت به عراق ترور کرده است؟ ما حتی بر روی این موضوع چندان تکیه نمی‌کنیم، ما نمی‌خواهیم به گذشته نگاه کنیم و بهتر است به آینده بیندیشیم.

مجری: جناب دکتر قرضاوی، در مورد مقاومتی که درباره آن صحبت می‌کنیم، شیعیان می‌گویند: آن‌ها دست به عملیات انفجاری و قتل و کشتار می‌زنند و موضعگیری بعضی از گروه‌ها مانند القاعده و دیگران به ویژه در باره تکفیر شیعیان اقدامی منفی است. آیا شایسته نیست که از طرف شما هم در مورد آنان فتواهای صریح و قاطعی صادر شود؟

دکتر قرضاوی: پیش از پاسخ به سؤالتان می‌خواهم در مورد این سخن شیخ رفسنجانی که: «فلانی می‌داند آنان از کجا می‌آیند» توضیحی بدهم، من اطلاع ندارم آنان از کجا می‌آیند، زیرا وزارتخانه‌ای اطلاعاتی را در اختیار ندارم و نمی‌دانم از کجا می‌آیند، اما به هر صورت اقدامات خشنونت‌آمیزی که سبب ریخته شدن خون بی‌گناهان می‌شود را محکوم کرده‌ایم، زمانی که آقای باقر حکیم را کشتند من در قاهره بودم، از همانجا آن را محکوم نمودم و گفتم این اقدام حرمت زمان یعنی ماه رجب، و حرمت مکان یعنی مسجد، و حرمت انسان را زیر پا نهاده است و تمامی تعرضاتی را که علیه

شهر نجف و مرقد دو امام صورت گرفته را محکوم کرده‌ایم، من شخصاً آنها را در خطبه‌های نماز جمعه و در برنامه‌ام (در تلویزیون الجزیره) محکوم کرده‌ام، همچنین اتحاد جهانی علمای مسلمین که من افتخار ریاست آن را بر عهده دارم آنها را محکوم شمرده است. ما اینگونه امور را مردود شمرده و به هیچ وجه تأیید نمی‌کنیم، این‌ها از نظر ما روشن و واضح‌اند، کاش نظر دوستان (شیعه) هم از شفافیت کافی برخوردار بود. البته ما نمی‌توانیم مسئولیت اقداماتی را که اینجا و آنجا صورت می‌گیرد را بپذیریم؛ آنچه را مورد تأیید قرار می‌دهیم مقاومت در عراق است، اساساً مقاومت در برابر اشغالگر، مقاومت خود عراقی‌هاست، و گمان من این است آنانی که از خارج به مقاومت در عراق ملحق می‌شوند ۵ تا ۱۰ درصد بیشتر نیستند.

مجری: ظاهراً من سخنان شیخ یوسف را نمی‌شنوم، اما می‌خواهم پرسم که وقتی جناب شیخ رفسنجانی آن امور را محکوم می‌کند و شما هم آن را محکوم می‌نمایید، پس مشکل چیست و چرا پیشرفتی روی نمی‌دهد؟ چرا؟ (سؤال را از شیخ یوسف می‌پرسم).

دکتر قرضاوی: من بر این باورم که از طرف مراجع شیعی در عراق و ایران موضعگیری کافی در جهت محکوم کردن آنچه در عراق روی می‌دهد، وجود ندارد و از نظر عملی اقداماتی که از چنان اموری جلوگیری نماید صورت نگرفته است. من اعتقاد بر این است که ایران برای جلوگیری از آنچه در عراق روی می‌دهد از توانایی و نفوذ کافی برخوردار است، و می‌تواند به آن‌ها بگوید: کافی است و دست‌بردار شوید! آقای شیخ رفسنجانی نمی‌خواهد به این واقعیت اعتراف کند، اما همه بر روی وجود نفوذ و سلطه ایران تأکید دارند و این واقعیتی آشکار است و همگان آن را مشاهده می‌کنند. این موضوعی است که ایران توانایی جلوگیری از آن را دارد و می‌تواند به بسیاری از آنان بگوید چنان عمل کنید و چنان اقداماتی را انجام

ندهید، چنین اقدام عملی و ملموسی است که مشکل را حل خواهد کرد. ایران می‌تواند آتش فتنه موجود در عراق را خاموش کند و مسلمانان را از این جنگ فرقه‌ای خانمان سوز که تر و خشک را با هم نابود می‌کند، مصون بدارد. جنگی که غالب و مغلوبی در آن وجود ندارد و همه ما در آن شکست خورده خواهیم بود. این درست همان مسائلی است که می‌خواهیم به صراحت آن‌ها را بیان کنیم.

مجری: در واقع تنها پنج دقیقه از وقت برنامه باقیمانده که آن را میان هردوی شما تقسیم می‌کنم، من به عنوان یک روزنامه‌نگار و مسلمان عرب می‌شنوم که تمام علما و اندیشمندان بنابر اصطلاحاتی که اهل سنت بکار می‌گیرند: «استعمار و صهیونیسم جهانی» و بنابر واژه‌هایی که اهل تشیع به کار می‌گیرند: «شیطان بزرگ و نیروهای استکباری» را محکوم می‌کنند؛ اما از درون به خود نگاه نمی‌کنیم، آیا به راستی زمان آن فرا نرسیده که قرائت و نگاه خود را به واقعیت‌ها بازنگری کنیم؟ و اعتراف کنیم که ریشه مشکل در بین خود ما مسلمانان است و باید ابتدا اختلاف‌های موجود بین خود را برطرف کنیم و از مهمترین آنها آغاز کنیم؟ در این ارتباط و در مدت ۲/۵ دقیقه چه چیزی برای گفتن دارید؟ و از نظر شما مهمترین مسائلی که باید قبل از پرداختن به حل و فصل دیگر امور اختلافی به آنها پرداخته شود و در اولویت قرار دارند، کدام‌اند؟

هاشمی: شما درست به اظهارات قبلی من که در آغاز سخن گفتم برگشتید، اینکه خود ما باید از اتحاد میان خود پاسداری کنیم، از جناب آقای قرضاوی انتظار دارم که اخبار مربوط به ما را بیش از گذشته بخوانند و اظهارات بیان شده از طرف مسئولین ایران را بشنوند، چنانچه اظهارات و تصریحات ما را می‌خواندند با این لحن صحبت نمی‌کردند، موضوع روشن است، پرونده اخبار حتی در الجزیره نشان می‌دهد که چه تعدادی از علما و

شخصیت‌های ما از مقاومت در عراق حمایت کرده‌اند، و جنگ داخلی را مردود و محکوم شمرده و آن را تحریم کرده و چقدر اشخاصی را نصیحت کرده‌اند که در فکر انتقام‌جویی از طرف مقابل نباشند و دنبال اقدامات آدم‌های جاهل گام برندارند، ما این موضوع را بارها و بارها اعلام کرده‌ایم. من فکر می‌کنم که عامه مردم از این موضوع خبر دارند و در روزنامه‌ها موجود است و از جناب آقای قرضاوی انتظار دارم که دیدگاه‌های علمای ما را بیش از گذشته مورد بررسی قرار بدهند و مطمئن باشند که مابه سبب آنچه در میان مردم مسلمان روی می‌دهد و آنچه در عراق می‌گذرد قلبان می‌سوزد.

مجری: جناب قرضاوی ۲/۵ دقیقه وقت دارید به همان سؤالی که با آقای رفسنجانی مطرح کردم پاسخ بدهید.

دکتر قرضاوی: این دیدار را با بیان مطالبی به پایان می‌برم، اولین مطلب این است که: همه ما موظفیم در مورد پاسداری از وحدت این اُمت بسیار جدی عمل کنیم و در برابر هرگونه تلاش‌های تفرقه‌آمیز ایستادگی نماییم؛ تلاش‌هایی که از مسائلی مانند: نژاد و ملیت که فلان مردم فارس و اینان عرب و دیگری تورانی‌اند، استفاده می‌کنند جلوگیری کنیم، برماست که همه بر حول محور وحدت بخش اسلام جمع شویم و اسلام را برتر از مذهب و فرقه به شمار بیاوریم و میهن اسلامی را بر فرقه‌گرایی برتری بدهیم و امت را بالاتر از نژاد و ملیت به شمار بیاوریم، و مصالح مهمتر را بر مصالح کم اهمیت ترجیح بدهیم، ما باید فراتر از این امور عمل کنیم. زمانی که از گفتمان اسلام و مسیحیت استقبال می‌کنیم و با آنها به گفتگو می‌پردازیم و سعی می‌کنیم که با ایشان به تفاهم برسیم، چرا نباید ما مسلمانان برای نزدیک شدن هرچه بیشتر به یکدیگر تلاش نماییم؟ چرا از گفتگو میان خود مسلمانان استقبال نکنیم؟ این اُمت باید وحدت خود

بدست بیاورد، امتی بزرگ، امت یک میلیاردونیم مسلمان می‌تواند جایگاه شایسته خویش را باز یابد به شرطی که در راه وحدت و تفاهم و همیاری گام بردارد و از توانایی‌های انسانی و امکانات اقتصادی و میراث تاریخی و متمدنانه و رسالت معنویش به درستی استفاده کند؛ در این صورت می‌تواند از زندان عقب ماندگی‌هایی یابد و به فضای باز پیشرفت و ترقی همه جانبه وارد شود و از دایره جهان سوم به عرصه جهان اول وارد گردد. این یک موضوع، موضوع دیگر که می‌خواهیم به وسیله آن این دیدار را به پایان ببریم این است که مسلمانان در شرق و غرب جهان انتظار دارند که این دیدار و گفتگو به نتیجه عملی و ملموسی بیانجامد، نمی‌خواهند تنها در دایره گفتگوی نظری و حرف‌زدن محدود بماند، زیرا در مورد آنگونه سخنان کمبودی نداریم، انتظار ما این است که در عمل و واقعیت تبلور پیدا کنند و مردم آن عملکرد واقعی را با چشمان و تمامی وجود ببینند و احساس کنند، مردم مسلمان می‌خواهند وضع عراق چیزی غیر از آنچه هست بشود و از قتل و خونریزی روزانه جلوگیری شود و میلیشیاها و جوخه‌های مرگ متوقف شوند، حقوق به صاحبان حق برگردانیده شود، رانده‌شدگان به محل سکونت خود بازگردند، مساجد غصب‌شده به صاحبان آنها بازگردانیده شوند، جلو امواج تلاش برای شیعه‌کردن گرفته شود و بسیاری از امور دیگر که همه از آن رنج می‌برند. اگر قصد داریم مشکل را حل و فصل کنیم باید گفتار را به کردار تبدیل کنیم، در غیر این صورت نشسته و متفرق شده‌ایم و کاری را نتوانسته‌ایم از پیش ببریم، این چیزی است که انتظارش می‌رود.

در کنفرانس دوحه نیز گفتم که: اندیشه تقریب بین مذاهب در برابر آزمون حساس و سختی قرار دارد، امیدوارم که از آن سربلند بیرون بیاید و به شکست و بن بست نیانجامد و در این آزمون مردود نشود، این چیزی

است که در اسرع وقت انتظارش را داریم و از پس امروز فردایی است و آمدن فردا برای کسی که در انتظار آن است چندان دور نیست. ان شاءالله! من به آینده امیدوارم و از خداوند انتظار خیر و نیکی را داریم...

مجری: در پایان این دیدارم لازم به یادآوری است که همچنان پرسش‌ها و مسایل بسیار و متفاوتی باقیمانده که می‌خواستیم آنها را از این دو شخصیت بپرسیم، اما زمان برنامه به سر آمد.

در پایان این دیدار به غیر از اینکه از جناب آقای هاشمی رفسنجانی و آقای دکتر یوسف قرضاوی کمال سپاس و تشکر را بنمایم، فرصت دیگری باقی نمانده است. امیدوارم در حد توان و تشخیص خود توانسته باشم با طرح این پرسش‌ها سودی را به همگان رسانده باشم.

سلام و درود خداوند بر همه شما باد